

در بیان عظمت حبیب رب العالمین

۲۵۰۸۱



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران



بسم الله الرحمن الرحيم

لَا يَنْخَرُكَ ذَرَّةُ الْآبَادِينَ اللَّهُ

در بیان فضیلت حبیب رب العالمین

اگرچه در هر محل و مذایب فضایل آن برگزیده خداوند متعال است
و هویداست چنانکه کتابهای سماوی تماماً شایسته و براین بر این
مطلب است که اشرفیت و افضلیت آن مظهر حق و نور است
لایق و لایحی است بلکه تمام آفرینش از فضل او آفریده و هویداست
الَّذِي قَالَ اللَّهُ فِي حَقِّهِ لَوْلَاكَ لِمَا خَلَقْنَا لَا فَلَكَ
لهذا فضایل خورشید را از برای هر عارف عالمی

دستور فحیدن از اصل ایمان است مگر از برای هر کسی
رسیده و وسیله آن نخواهد بود که کتابی بدست یازند یا
افواها از عالمی و عارفی تحصیل نمایند باین بعضی از فضایل
که نزدیک به فهم عوام است در این صنفی می نگارند تا آنکه عانی
امت و مستضعفین ملت بهمی نصیب نباشند فضیلت
اول آنت که آنحضرت اول آفرینش است فضیلت
دوم آنکه خداوند جل شاناه از انبیاء علیهم السلام عهد
گرفت که چون زمان او در یاسد پیروی او کنند
لَا قَالِ اللَّهُ وَإِذَا خَلَا اللَّهُ مُشَاقَّ النَّبِيِّ فَضِيلَت
سیم خداوند هر پیغمبری را بنام خطاب فرموده چنانکه
يَقْرَأُ يَا آدَمُ اسْكُنْ الْخَ وَنَا نُوحُ أَهْبِطْ الْخَ وَبَا
إِبْرَاهِيمُ اعْرِضْ الْخَ وَبَا مُوسَى إِنِّي اصْطَفَيْتُكَ
الْخَ وَبَا ذَاوُدُ إِنَّا الْخَ وَبَا زَكَرِيَّا إِنَّا الْخَ وَبَا
يَحْيَى خُذِ الْكِتَابَ الْخَ وَبَا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ اذْكُرْ الْخَ

و محمد را با اسم خطاب فرمود و از برای تعظیم با القاب خطاب
 فرموده است مانند يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ وَايَا أَيُّهَا الرَّسُولُ وَحَا
 النَّبِيِّينَ فضیلت چهارم اسم الفداء بود که
 پیغمبر خود را با نام خطاب کند و محمد را جایز نباشد چنانکه می
 فرماید لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا
 زیرا که در اول نام محمد یا ابولهاشم می کشند بعد از این یا به مبارک
 یا رسول الله یا نبی الله خطاب میگردند فضیلت پنجم
 خداوند تبارک و تعالی به بلدان رسول معظم سو کند یا و کرده او
 میفرماید لَا أَفْنِمُ هَذَا الْبَلَدَ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ
 و بحیات سچا پس قسم یاد کرده خبر او که میفرماید لَعَنَ كُفْرَهُمْ
 لَفِي سَكْرَتِهِمْ بَعْمَهُونَ و در حق رسالت او قسم یاد فرموده
 لَيْسَ وَالْفُرَّانِ الْحَكِيمِ أَنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ و در شهادت
 هدایت فرموده است فضیلت ششم آنحضرت را جامع
 الکلام عطا فرمود چنانکه فرمود عطاءنی جامع الکلمات

و الله اعلم
 بحال

مفهم هست و راعه یکماه راه در دل اعدا افکند فضیلت
 هشتادم غایم را بر اعمم مانت قدم حرام و بر ات او حلال شد
 فضیلت نهم تمام روی زمین از برای معبد و مسجد است
 او خداوند جاز و شست و خاک را از برای تمیم بجای آب اجازه
 فرموده و اعمم سابقه را بغیر از معبد معین عبادت جاز
 بنود فضیلت دهم اگر بر تمام خلایق مبعوث شد
 و انبیاء و ائمه هر یک بقومی مبعوث بودند اگر چنانکه از انبیا
 بر انس مبعوث بودند آنحضرت بر تمام جن و انس مبعوث
 شدند فضیلت یازدهم اگر ختم نبوت بوجود مبارک
 آنحضرت شد چنانکه نقل حدیث حضرت عیسی در آخر
 الزمان از آسمان کند و آید نسخ شریعت آنحضرت را
 بکند متابعت نماید در امر او فضیلت دوازدهم اگر
 در غزوات ملاکه حاضر می شدند و با دشمنان و مخالفان
 میگردید فضیلت سیزدهم آنکه خداوند آنحضرت را

رحمت بر عالمیان ساخت چنانکه میفرماید وَمَا أَرْسَلْنَاكَ
 إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ این فیض و رحمت و محبت
 او منقطع نمیشود و تفسیر رحمت للعالمین گفته اند انی رحمة
 للجن والانس و فیل لجميع الناس رحمة
 للمؤمن بالهداية و رحمة بالمؤمنين للأمان
 من الفيل و رحمة للكافرين بنا خير العذاب
 فضیلت چهارم و هم در زمان بعثت او شیاطین از
 عروج آسمان ممنوع شدند فضیلت پانزدهم
 اسرافیل را و نازل شده است که بر هیچ پیری نماید
 فضیلت ۱۶ در شان آنحضرت آنکه اِنَّا فَتَحْنَا لَكَ
 فَضِيلًا ۱۷ خداوند جل شانه ابناء ما تقدم را بسؤال
 عظیمی میشد و آنحضرت را بی سؤال عطا فرمود
 فضیلت ۱۸ کاخ زمان آنحضرت را از بعد آنحضرت
 حرام ساخت فضیلت نوزدهم از قهای و خجایید

که از پیش روی منی مکرست فضیلت چشم شریعت^۱
پاییده است تا قیامت و مانع شریعت سابقه است^۲
نور خداوند تبارک و تعالی محیط آنحضرت بود چنانکه فرمود
اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي نُورًا مُوتِيْدًا

فضیلت^{۲۲} جسم مبارک او سایه نداشت و جامه^۱ش از
قوت وجود مبارکش نرسایه نداشت فضیلت
پست و سیم خداوند جل شانه او را حبیب خود ساخت
فضیلت^۱ چشم و چهارم آفرینش را تمام از بدایت تا انتها
بخشش عرضه داشت تا تمام را کمشوف و دشت این
است بعضی از آن را جنب بار فرمود فضیلت
چشم و پنجم آنکه در بهترین قرون آنحضرت شد چنانکه
میرماید بَعِثْتُ مِنْ خَيْرِ فُرُودٍ فضیلت^{۲۶}
وجود مبارکش را شرف قبایلیست میرماید ان الله

اصْطَفَى مِنْ وَلَدِ ابْنِ اِهْبِيمَ ۴ فضیلت^{۲۷}

اینکه اشرف امم است قال الله تعالى كنتم خیر امة
 اُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ فضیلت ۱۲۱ جماع است
 آنحضرت ۲ حجت قاطع است فضیلت ۱۲۲ و نعم
 امت او بر ضلالت اجماع نکند چنانکه فرموده است
 لَا يَجْمَعُ أُمَّتِي عَلَى الضَّلَالَةِ فضیلت ۱۲۳
 امت او بر دیگر امم کواکبیزد و قبول است فضیلت ۱۲۴
 امت آنحضرت از سایر امم استرونی دارند در تحسین فرمایند
 أَنَا أَكْثَرُ الْأَنْبِيَاءِ تَبِعًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ
 فضیلت ۱۲۵ چهار دانگ از بهشت مخصوص امت
 آنحضرت است فرموده است إِنِّي لَا رَجُوانَ تَكُونُوا
 ثُلَاثِي أَهْلِ الْجَنَّةِ فضیلت ۱۲۶ از برکت وجود مبارک
 امت او از قحط ملاک نشوند فضیلت ۱۲۷ برمت او پیکان
 و دشمن مسلط نخواهد شد انشاء الله و است آنحضرت
 که از خداوند خواسته ام امت من بود و عموم قحط ملاک نشوند

مانند امت نوح غرق نشوند در میان ایشان خلاف واقع شود
 فضیلت ۳۵ خداوند رحمن اگر سیم تکالیف صعب شکل
 از امت او برداشت است فضیلت ۳۶ صفوف
 امت او را چون ملائکه داشت میفرماید جَعَلْتُ صُفُوفًا
 كَصُفُوفِ الْمَلَائِكَةِ فضیلت ۳۷ خداوند میفرماید يَا أَيُّهَا
 الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ
 پس از رسول این آیه را است که در فضیلت ۳۸
 بر نماز که فرض است که چون رسول خدام او را بخواند جواب ده
 و این زیانی نماز ساز که از ندارد فضیلت ۳۹ هدیه از
 بر کسی بر آنحضرت حلال بود بی گناه است فضیلت ۴۰
 دروغ بستن بر آنحضرت مثل سایر اکاذیب نیست بلکه از آن
 کبایر است چنانچه در تقلید هر که عمدتاً بر غیبت دروغ بگوید
 او کافر است فرموده فضیلت ۴۱ هر کس خضرتش در
 خواب ببیند زیر آنکه شیطان بر صورتیکه مانند مثل تو
 به صدق باشد

من حالتی بجهنم بودی آنرا گذراند و ظهور احدی از آنجا

شد و بصورت آنحضرت شواذ فضیلت ۴۲ اول
 کسی باشد که در محشر از قبر برآید و میفرماید انا اول
 مَنْ نَشَقَّتْ عَنْهُ الْأَرْضُ فضیلت ۴۳
 رقت عظمی شفاعت او راست چنانچه بعد از مهت خود انجناب
 ارباب ارحم انگاه که از پیغمبران نامید شدند پناه بوجود
 مبارک آنحضرت برند فضیلت ۴۴ اول کسیکه شفاعتش
 مقبول افتد آنحضرت خواهد بود میفرماید انا اول
 شافع و اول شافع فضیلت ۴۵ لو ای حمدر
 قیامت مخصوص آنحضرت است میفرماید لو اء الحکم
 یومئذ ببدی فضیلت ۴۶ اشرف علی القیوم
 ایشانست در قیامت فضیلت ۴۷ تمام نبیاء و
 سائیه لو ای او باشد فرماید ادم و من دونیه
 تحت لو اء و تیر میفرماید انا اکرم الاولین و
 الاخرین فضیلت ۴۸ اول کسیکه باشد در رتبه

میفرماید اَنَا اَوَّلُ مَنْ يَفْرُغُ بَابَ الْحَبَّةِ

فصلت ۴۹ امت آنحضرت از همه ائم زودتر

بهشت درآید فصلت ۵۰ حوض کوثر از مخصوصات

آنحضرت خداوند تبارک و تعالی میفرماید اِنَّا

اعطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ فصلت ۵۱ مقام محمود از برای آن

مقدس آنحضرت خداوند میفرماید عَسَىٰ اَنْ يَّبْعَثَكَ

رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا فصلت ۵۲ درجه وسیله اورا

فرموده سَلُوا اللَّهَ فِي الْوَسِيلَةِ عرض کردند وسیله

چیت فرمودند اعلی درجه بهشت است فصلت ۵۳

در تار یکی خیابان دیدی که در رویش ششانی فصلت ۵۴

شامت که زرافعال شیطانست از برای آن حضرت

بنود فصلت ۵۵ کس در بدن مبارکش نمی نشست

فصلت ۵۶ خلق مبارکش از تمام شهر تبر بود خدا میفرماید

وَإِنَّكَ لَعَلَّ خُلُقُ عَظِيمٌ فصلت ۵۷



در خلقت متناسب اعضا از خلق اولین و آخرین بود
فضیلت ۵ در صحف و کتب انبیا مژده ظهور آنحضرت وارد
شده و اهل سیر از انبیا بگویند فضیلت ۵۹
معجزات پیغمبر این تمام از برای آنحضرت بود و فضیلت ۶۰
خداوند غراسه میفرماید اگر نه محمد بودی آدم و هشتاد و پنج
نیافیدیم تحقیق که عرش را ایجاد کردیم و تفرقه مضطرب
بود بر آن نوشتیم لا اله الا الله محمد رسول الله

قرار گرفت

مرویت که از حضرت مقدس سوال کردند که یا رسول
افضلیت و شرافت در چه فضل و کمال در حسن و جمال
شمار است یا حضرت یوسف را حضرت فرمودند هُوَ
اَصْبَحُ مَتًی وَاَنَا اَمَلُ مِنْهُ بنام یوسف ۴
قره حسن و جمال آمده که منتظر ما میمانی شود و فضل و
کمال و خوش خوی را با ما از زانی و دشمنان

کثیر و ما ادرسیک الا رحمة للعالمین که برین
امین از سد راه منتهی در رسید و عرضه و شست با
رحمة للعالمین و آسمان نور یوسف و نور تراقی و نور
حسن جمال یوسف را رسید اما بهاء و نور و شرف و قوت
و شجاعت و فروپیت و عز و تمت و حمد و عبادت
و عوض و شفاعت و مشلت و اجابت و قبول و دعوت
قرآن و مقیم و امانت و امانت و دیانت و فرست
و ایمان و فضل و احسان و رضا و صبر و قناعت و شکر و
حمد و ذکر و جبراء و اف و کاس ازوی و لوا و حمد و جود
مورد و مقام محمود و مختصر بود و در اسلام و ولدان کرام
و رفعت نام و حسب شریف و نسب معروف و شجره مبارک
و شجره راسخ و علو درجات و زبان فصیح و کلام طبع
و دل حضور و تن صبور و کرم ظاهر و شرف فاخر
و کف بذل جود و صف رکوع و سجود و وقت شریعت

و اعلام طریقت و احکام حقیقت و بلد محترم و مسجد معظم
حج و احرام و زکرم و نماز عتوته و زکوة مفروضه و روزه
رمضان و خواندن قرآن و جمعه و جماعت و تهلیل و تحمید
و علم و وقار و شفاعت و استغفار و بزرگی و مهتری و مهر
و انکساری و سروری بر همه انبیاء و صدیقین و خدایان
را و ادند یار رسول الله عارفی لطیفه گفته است اگر چه از جمال
یوسف علیه السلام پرده برداشته زان مصر دستها بریده
اما هنوز از جمال محمدی صلی الله علیه و آله پرده برداشته
که هر قدر زیاده مردان مرد و زن را بریدند اگر امر و در صنف
ناقصان محمول پرده از جمال یوسف برداشته دستها بریده
فردا که در صنف رجال الله پرده از جمال محمدی صلی الله علیه
و آله برداشته میشود صد هزار هزار کرد و بلکه تمام عاصیان
امت از دوزخ بکنند چنانچه وارد است که در آن شب قرب
و کرامت آن سلطان اقلیم رسالت خطاب مستطاب



بیت الارباب جل جلاله بحیریل و در ربید که امیر
محمد راضی الله علیه و آله در معش و هزار پرده غزنت
ستواری گردانیده ایم شب یک پرده از آن پرده بردار
تا نطفه ساره کیان عالم بالا حسن و جمال محمدی راضی الله علیه
و آله نظاره کنند چون بحیریل با مرتب جلیل یک پرده
از هفتاد و هزار پرده از جمال و جمال محمد راضی الله علیه و آله بردار
نوری پدید آید که در پرده آن نور نه عرش نور مانه و نه
کرسی را و نه آفتاب و نه ماه را و نه ستاره و نه کروبیان عالم
قدس بعد خطاب آید که ای محمد راضی الله علیه و آله تا چه
عم امت خوری امشب یک پرده از هفتاد و هزار پرده
از جمال تو برداشتیم نور قمر آفتاب عرش کرسی لوح قلم
همه را مضمحل نابود ناچیز کرد و فردا که در عرصات قیامت
که این هفتاد و هزار پرده پر داریم اگر معاصی و ذلالت
و سفوات امتت در جنب آن ناچیز گردد و چه عجب

الحمد لله الذي جعلنا من أمه محمد صلى الله عليه وآله
فضيلت در ولادت حضرت نبوت مآب صلی الله

عليه وآله و بعضی از علامات و معجزات در حین ولادت
از احادیث و اخبار چون یکماه از حمل آمنه و آله حضرت
گذشت آسمان و زمین نباتات و جمادات یکدیگر را بشارت
میداد و چون دو ماه از حمل آنحضرت گذشت ملکی از آسمان
وزمین ندا داد که صلوات فرستید بر محمد و آل او و استغفار
کنید بر امت او و چون سه ماه گذشت ابو قحافه از سفر شام
مراحت میکرد چون نزدیک بکعبه معظمه رسید ناگاه و از
برای سجده بر زمین نهاد ابو قحافه و بتندی برآمد ناگاه
با تفسی زاده داد که مگر منی پسنی حمله افروزش را که سجده
شکرانه کنند برای منی پسر که بوجود می آید و چون
چهار ماه گذشت زاهدی از طایف روانه مکه شد
در راه طفلی را دید که برود و در افتاد و هر چه را

برداشت باز سجده در افتاد و با ثقی نداشت که دست از
او بردارد که سجده شکر در افتاده از برای مولود
پنجم برگزیده چون پنج ماه بر گذشت همان شب
نخاعه خویش مراجعت کرده خانه خویش را دید که
زلزله در افتاده است و از سکون بازمانده و بر
محراب آن نقش شده است که ای اهل صوامع ایمان
آری بخدا و رسول او محمد صلی الله علیه و آله که نزدیک
شد ظهور آنحضرت زاهدان و دیدن این کلمات بابرکات
ایمان آورد چون ماه شش منقضی شد اهل مدینه
طبقه بقانون خویش که هر سال حیدر میگردند و عیدگاه
خودشان حاضر میشوند و درختی داشتند که در این روز
زود اندرخت اجماع میکردند و آن درخت را ستایش
و پرستش میکردند و خوشش میخواستند و این روز
چون زود درخت مجتمع شدند آوازی از آن درخت برآمد



که جاء الحق و دہق الباطل ان لبس اطل کان زہوقا
مردم از آن صدمہ بہم برآمدہ بسیاری خوش شامند
در ماہ ہفتم سوادین قریب نزد عبدالمطلب آمد گفت کہ شب
در میان خواب و بیداری دیدم کہ در مای آسمان کشود
و طائرہ فی وری و زمین نزول میکرد و ندو میکردند
نہ گفت کنند زمین را کہ نزدیک شد ظنور محمد صلی اللہ
علیہ وآلہ کہ رسول خداست بسوی کافی خلق چون
ماہ ہشت برآمد مای کہ طموسان نام دشت در بحر
اعظم بر دم خویش تابستاد ملک اورا گفت کہ امی مای
چہ میشود ترا کہ بحر را مثلا طمہ ساحۃ گفت پروردگار
من انکاہ کہ مرا آفرید فرمود کہ چون محمد صلی اللہ
علیہ وآلہ ظنور کرد امت او را دعا کن پس از برای
دعا کردن بحر کت آمد و در ماہ نہم وہ نہار ملک از
آسمان فرود آمدند ہر یک قیدی از نو بہ دست داشتند

نوشته بود لا اله الا الله محمد رسول الله و بدو
که مظهر صف زدند و میگفتند این نور محمد است
با کمال حضرت بجا هر متولد شد و برخلاف همه مولود
از پانصد و آمد و از رو و طرف کعبه مظهر بسجده
در اقصای نوری از فرق مبارکش با طبع گشت که
آسمان و زمین روشن شد قصرهای شام من و
فارس مشاهده افتاد که مانند آتش فروخته درخشان
بود و مرغان هوا بدور کعبه جمع شدند و کوهها بجانب
کعبه مشرف شدند و اسام و او شان سگسته بود
در اقصای دیت پرستان جمع آمد آن بت بزرگ را
بچندین دفعه نصب کردند قرا از گرفت بر و در افتاد
در هم شکست در این هنگام ابر سفیدی بآسمان
گروید آنحضرت را فرو گرفت ندائی رسید که
طُرُقُوبِ مُحَمَّدٍ شَرِيقُ الْأَرْضِ غَزَاهَا وَأَنْبِيَاءُ



لِتَعْرِفُوهُ بِاسْمِهِ وَفِيهِ وَصُورَتِهِ يَعْنِي بَكْرٍ وَنَهْدٍ مُحَمَّدٍ رَا
بِشَرْقٍ وَبِمَغْرِبٍ وَدَرِیَا هَا تَا هِمَّةٌ خَلَقَ اَوْرَا بِنَامِ
وَصِفَتِ وَصُورَتِ بَشَنَسَنَدِ مَرُوسِتِ كَعَبَدِ
اَز سَه رَوَزِ عِبْدِ الْمَطْلَبِ مُحَمَّدٍ رَا دَرِ آغُوشِشِ كَرَفَتِ
بِخَانِه مَكَّة دَرِ آوَرْدُ وُچُونِ بَدْرِ خَانِه رَسیدِ اَخْبَرَتِ
بِرِزَانِ مَحْمُودِ پَانِ فَرَمُودِ بِسْمِ اللّٰهِ وَبِاَللّٰهِ كَعَبَدِ
مَعْظَمِ بَسْمِ دَرِ آوَدِ دَرِ جَوَابِ كَفَتِ اَللّٰمُ عَلَیْكَ
یَا مُحَمَّدُ صَلِّ اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ وَبَرَكَاتُهُ
بَا تَفْهِي آوَا زِدَادِ كِه جَاءَ اَلْحَقُّ وَرَهَقَ اَلْبَاطِلُ اَز
جَمَلِ عِلَامَاتِ وَشَرَا فِت اَلنَّشَبِ بَا بَرَكَتِ
وَمِیْمَنَتِ اَیْنَكِه سِیرِ اَلْمِلَیْسِ لَعْنِیْنِ وَتَمَامِ شِیْمَنِ
اَز عُرُوجِ نَفْلَكِ مُنْقَطِعِ شَدِ وَكَاهِنَانِ اَز
هَمْرَا دَانِ جَدَا وُ دَوْرَا فَا دَنَدُ وَا خَارِ عَنِیْبِ
مَوْقُوفِ كَرُودِ وَا كَرُ وَا رِ سَحْرَه وَا عِلْمِ قَهَارَه مَحْمُودِ

و در همان شب چهارده کنگره از ایوان کسری
افتاد و طاق ایوان شکافته شد و هم در آن
شب دریاچه ساوه بر زمین فرو رفت و هم در آن
شب آتشکده فارس که دو هزار سال
قبل از آن روشن بود خاموش شد شب و
و ثواب و آثار عجیب و قریب در آسمان
پدیدار بود و نکته دیگر بدانکه هر یک از پیغمبران
خلوت خانه بود که در آن خلوت از نفس
خود باز رسته و بحق پیوسته بودند از آن جمله
حضرت موسی را خلوت گاه طور بود که ظاهراً
بمطالعه النظم الی حبل ماطنش میباشاده انوار
خلوت گاه حضرت عیسی علیه السلام فلک چهارم
بود جسمش با ملائکه همراز جانش بعالم قدس تحتعالی
و مساز بل رفیع الله الیه خلوت گاه حضرت

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

علیه و آله بنشین و خاموش باش همه پیغمبران
استادان بود ترا نشستن آنها کفشتن بود ترا شنیدن
همه کفشتن مانشنیدیم اکنون تو بشنو ما بگویم همه
کس راز خود با چپب خود گفتند من راز خود
با تو میگویم فَاَوْحٰی اِلٰی عِبْدِهٖ مَا اَوْحٰی بَیْت
پادشاه و اذانهای فریادش و زان سر را او عجب رخنه
جوابی نپرسد هر دم گوش من از آن عالم
که من راز بوشنیدم تو اکنون راز بشنو





سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران